

از مطالعه این نشریه در زمان تفیلا و فواندن توراہ فودداری فرمایید.

# אוריאל דויד

בראשית

جهت مفا قدوسیت این نشریه از دور انداختن آن فودداری فرمایید.

24 תשרי 5782

## ג פ ת א ר

از اینجا درمی‌یابیم حتی مواردی که برای نیاز و استفاده آدم آفریده شده‌اند ، اگر آدم قدر آنها را نمی‌داند و برای آنها تفیلا نمی‌خواند ، آدم آن مورد را دریافت نمی‌کند ، حتی اگر خد-اوند می‌داند که آدم این مورد را نیاز دارد. آدم این چیز را دریافت نمی‌کند تا وقتی که آدم برای آن تفیلا بخواند ، تفیلائی با این درک که این چیز مورد نیاز او است و آدم برای زندگی خود به آن نیاز دارد.

ایام روش هسانا ، کیپور و موعד سوکا را پشت سر گذاشتیم ، روزهایی که در آنها تفیلاهای بسیاری ، هم برای موارد کلی و هم برای نیازهای شخصی خود خواندیم. حال باید تفیلا بخوانیم تا آن مواردی که برای ما تعیین شده را به خوبی و آسانی ، و نه از طریق نیاز و کمبود دریافت کنیم. به این منظور که آدم باید قدر سلامتی خویش را بداند و به درگاه خد-اوند تفیلا بخواند که سلامتی وی ادامه داشته باشد. آدم باید قدر این را بداند که رزق و روزی خود را به دست می‌آورد و به درگاه خد-اوند تفیلا بخواند که روزی او را ادامه بدهد و به آسانی روزی وی را تأمین نماید و نیز برای تمام موارد.

آدم باید توجه داشته باشد هر چیزی که در زندگی دارد ، در مالکیت شخصی وی قرار ندارد ، بلکه هر روز و هر لحظه خد-اوند این مورد را به آدم می‌دهد و گاهی یک چیزی را به آدم نمی‌دهند تا وی با احساس کمبود آن مورد ، قدر آن مورد را بفهمد و برای آن مورد تفیلا بخواند و وقتی دوباره آن مورد را دریافت نمود ، قدر آن را داشته و به این صورت درک می‌کند که مواردی که دارد ، در مالکیت شخصی او قرار ندارند.

وقتی آدم به چنین درکی می‌رسد ، با نیت بیشتری تفیلا خوانده ، به خد-اوند نزدیک شده و برای تمام خوبیهای که خد-اوند به او می‌دهد ، از خد-اوند تشکر می‌کند.

در مورد ربی الکساندر زیسکیند ، نویسنده اساس و پایه عبادت خد-اوند (יסוד ושורש העבודה) تعریف شده است که هر روز

پاراشا در مورد آفرینش دنیا صحبت می‌کند. اور هخیم هقادوش در تفسیر خود می‌نویسد همه چیز ابتدا آفریده شد و سپس ، هر کدام در روز خود به دنیا آمد.

در ادامه ، توراہ می‌نویسد: و هیچ گیاهی هنوز روی زمین نبود و هیچ علفی هنوز نروییده بود چون خد-اوند هنوز باران نبارانیده بود و آدم نبود که روی زمین کار کند. راشی در تفسیر این مورد می‌نویسد: هنوز هیچ گیاهی نروییده بود و اینکه در روز سه‌شنبه گیاهان و درختان آفریده شدند ، آنها تا سطح زمین رویش کردند ولی تا روز ششم به سطح زمین نیامدند ، زیرا هنوز خد-اوند باران نبارانیده بود. به چه دلیل هنوز خد-اوند باران نبارانیده بود؟ زیرا آدم نبود که روی زمین کار کند و قدر باران را نمی‌دانست. ولی وقتی آدم آمد و فهمید دنیا به باران نیاز دارد. آدم برای بارش باران تفیلا خواند ، باران بارید و درختان و گیاهان روییدند.

این سخنان بسیار شگفت‌انگیز هستند ، زیرا تمام دنیا قبل از آفرینش حضرت آدم به وجود آمد ، تا وقتی که حضرت آدم به دنیا می‌آید ، همه چیز برای او آماده باشد. کتاب زوهر در این باره می‌نویسد:

”ربی آبا فرمود: بیا و ببین همه چیز در دنیا برای آدم آفریده شد و برای وجود همین آدم است که وجود دارند و پدیدار گشتند.“

اگر این چنین است ، پس چرا باران ، درختان و گیاهان قبل از به وجود آمدن آدم روی سطح زمین پدیدار نشدند؟ مگر نه اینکه تمام آنها برای حضرت آدم آفریده شدند؟ پس چرا لازم بود حضرت آدم برای بارش باران و رویش گیاهان تفیلا بخواند؟

راشی در پاسخ به این سؤال می‌فرماید:

”زیرا آدم نبود که روی زمین کار کند و قدر باران را نمی‌دانست. ولی وقتی آدم آمد و فهمید دنیا به باران نیاز دارد ، آدم برای بارش باران تفیلا خواند ، باران بارید و درختان و گیاهان روییدند.“

1 اگر در کیفیت و کمیت مطالب این نشریه (رای ، پیشنهاد و یا سوالی در امور هلافا و زندگی روزمره دارید از اتمام لطف

همواره احساس می‌کند زندگی و تمام آن مواردی که در زندگی دارد ، وابسته به خد-اوند هستند. به این صورت آدم برای هر چیز که دارد ، از خد-اوند تشکر می‌کند و به تدریج در برابر خد-اوند تسلیم می‌شود و ترس خد-اوند بر او مستولی گشته و به محبت خد-اوند می‌رسد که همواره به آدم نیکی می‌کند.

با تمنا به درگاه خد-اوند تفیلا می‌خواند تا موارد ، مورد نیاز او را تأمین کند و سپس برای هر چیز که خد-اوند به او داده بود ، تشکر می‌کرد. شخصی که به این صورت زندگی می‌نماید ، احساس می‌کند در تمام طول روز به خد-اوند متصل است و یکی از میصوهای توراها مبنی بر "همواره خد-اوند را در نظر دارم" را انجام می‌دهد و

## ابتدا و شروع هر کار

اشتباه و اشکال بسیاری پیش خواهد آمد. حال در ایام اول سال قرار داریم و اگر آنها را با فعالیتهای مهم و محتوای درست پر نکنیم ، انتهای سال با مشکلات بسیاری مواجه خواهیم گشت.

دانشمندان توراها نیز در مورد اهمیت اول و ابتدای هر روز ، صحبت‌های فراوانی نموده و فرموده‌اند اولین افکاری که شخص پس از بیداری می‌کند ، تأثیر بسیاری روی کل روز دارند. از یاد ربی یوسف زوندل روحش شاد آمده است که وی از راو خویش ، ربی خیم از وولوژین روحشان شاد شنیده است:

"این توصیه را هر کس می‌تواند امتحان نماید. اگر وقتی از خواب بیدار می‌شود ، ابتدا از هر موردی بر خود قبول کند که تمام سعی و تلاش خود را بنماید که به آموزش توراها مشغول گردد و نگذارد هیچ موردی مزاحم آموزش او شود ، بدون شک در آن روز راحت‌تر و آسان‌تر می‌تواند به آموزش توراها مشغول گردد و غریزه بد کمتر مزاحم وی می‌شود ، زیرا در ابتدای روز این تصمیم را گرفته و به همین جهت ، روز نیز به همان صورت پایان خواهد یافت."

ولی اگر فرد روز را با تنبلی آغاز کند ، مثلاً وقتی بیدار می‌شود ساعت را نگاه کرده و متوجه می‌شود بیست دقیقه دیگر می‌تواند بخوابد ، پس دوباره به حالت خواب می‌رود و می‌گوید: "حیف است از این بیست دقیقه استفاده نکنم و نخوابم." چون روز را با تنبلی شروع کرده ، تا انتهای روز ، تنبلی و تعویق خواهد بود. پس بسیار مهم است در ابتدای روز، فرد چابک بوده و یوغ و سلطنت خد-اوند را بر خود قبول نماید.

ربی ییسرائل از سالانط روحش شاد در این باره می‌فرماید: وقتی شخص پایه و اساس را کج می‌گذارد ، هر چیز که روی این پایه و اساس بسازد ، کج‌تر و بدتر خواهد بود ، وقتی طبقه اول ساختمان کج باشد ، طبقات دیگر کج‌تر و قوس‌دارتر خواهند بود.

از این رو ، به ایامی که در آنها قرار داریم باید توجه بسیاری داشته باشیم. در انتهای ماه تیشری هستیم ، همین چند روز پیش ، در روز سیمخا توراها ، سفر توراها را از هیخال درآوردیم ، با آن رقصیدیم و سفر توراها را به هیخال برگرداندیم. در این باره ماران هخیدا می‌نویسد: "پس از ایام موعد (سوکا) و در ماه خشوان ، باید در خد-اترسی و آموزش توراها تلاش بسیاری کرد ، زیرا این روزها ابتدای

دوباره کتاب برشیت را آغاز می‌کنیم. شلومو هملخ در کتاب قوهلت می‌نویسد: "انتهای هر چیز به خاطر ابتدای آن خوب است."

بدین مفهوم که وقتی آدم چیزی را شروع می‌کند ، باید پایه و اساس آن را خوب بچیند که تا انتها ، آن مورد خوب پیش برود. ما نیز که سال جدیدی را آغاز می‌کنیم ، باید به این ایام ابتدای سال توجه داشته باشیم که آنها را به خوبی و با فعالیتهای مهم سپری کنیم که تا انتهای سال ، خوب پیش برود.

داوید هملخ در کتاب تهیلیم (فصل ۱۲۷) می‌نویسد: "به مانند تیرهایی که در دست پهلوان قرار دارند ، ایام نوجوانی نیز چنین هستند."

وقتی تیر در دست پهلوان قرار دارد و هنوز آن را رها ننموده ، پهلوان می‌تواند تصمیم بگیرد با این تیر چه کند و به کدام هدف بزند ، ولی وقتی تیر از دستان وی خارج گشت ، دیگر این تیر در اختیار او نیست.

حال داوید هملخ به هر فردی می‌فرماید ایام نوجوانی در دست انسان هستند و او می‌تواند به میل و دلخواه خود از آنها استفاده نماید ، اگر وی از این ایام خوب استفاده کند ، خوشا به حال او ، ولی اگر این تیرها را بیهوده هدر دهد ، وقتی بخواهد این تیرها را برگرداند و دوباره از آنها استفاده نماید ، دیگر چنین امکانی را نخواهد داشت ، پس انسان باید تمام تلاش خود را بکند تا از ایام نوجوانی حداکثر استفاده را داشته باشد.

دانشمندان توراها ، این عبارت را به صورت دیگری هم تفسیر نموده‌اند. وقتی تیر در دستان پهلوان قرار دارد ، پهلوان باید در نشانه‌گیری دقت بسیاری داشته باشد ، پهلوان نمی‌تواند بگوید:

"اشکالی ندارد اگر نشانه‌گیری دقیق نباشد ، فقط کافی است تیر را به سمت هدف پرتاب کنم."

زیرا کمی اشتباه در نشانه‌گیری ، حتی اشتباه به اندازه یک سانتیمتر ، در طول مسیر زیاد می‌شود و وقتی تیر به هدف می‌رسد ، همان یک سانتیمتر ابتدایی آن چنان زیاد شده که دیگر تیر به هدف نمی‌خورد.

حال هر کاری را که شخص شروع می‌کند ، به ابتدای آن باید توجه بسیاری داشته باشد ، اگر ابتدای کار خوب برنامه‌ریزی نشود و اساس و پایه آن از اول خوب نهاده نشوند ، وقتی کار به انتها می‌رسد ،

آن ایام نیز مورد قبول خد-اوند نخواهند بود. پس باید در آموزش توره و انجام میصوهای آن تلاش بسیاری نماید تا این مورد بر کل سال تأثیر بگذارد."

برگرفته از مکید دوارو لیمقوب

سال هستند و بر تمام سال تأثیر می‌گذارند. مخصوصاً هنوز از روز توبه (روز کیپور) مدت زمان زیادی نگذشته ، پس شخص باید ثابت نماید تمام فعالیت و تفیلاهای او (در ماه اول ، روش هسانا و کیپور) فقط برای تظاهر نبوده ، زیرا اگر وی به تمام فعالیتی که در این روزها انجام داده ، پشت پا زند و در عبادت خد-اوند کم‌کاری کند ،

## استفاده رایگان از امکانات دنیا

همه خوشمزه‌تر می‌آمد را انتخاب کرد و گفت: "لطفاً قبل از سفارش به من بگو قیمت این قهوه و کیک چقدر خواهد شد."

گارسون جواب داد: "یک فنجان قهوه ۵۰ دلار و برش کیک که انتخاب کردید ۱۲۵ دلار می‌شود."

آن شخص که اصلاً فکر چنین قیمت‌هایی را نمی‌کرد پرسید: "مگر کیک و قهوه شما از طلا و الماس است که اینقدر گران است؟"

گارسون با حوصله و ادب جواب داد: "شما می‌بینید این هتل بسیار مجلل است ، در آن پیانو نواخته می‌شود ، مبلمان مجلل و راحتی در لابی وجود دارد ، پرده‌ها ، تابلوها ، نور و دیگر وسایل هتل بسیار شیک و مجلل هستند و همه چیز با سلیقه خاصی انتخاب شده است. همچنین این هتل تعداد بسیاری کارمند و مدیر دارد تا همه چیز را به خوبی اداره کنند و میهمانان هتل در راحتی کامل به سر ببرند. پس وقتی شما یک فنجان قهوه و یک برش کیک سفارش می‌دهید ، علاوه بر پول قهوه و کیک ، مخارج مجلل بودن هتل را نیز می‌پردازید."

آن شخص تشکر کرد و گفت: "از توضیحات شما ممنونم ، ولی من نمی‌توانم چنین مبلغی را بپردازم و از خوردن کیک و نوشیدن قهوه صرفنظر می‌کنم."

سپس بلند شد و از هتل خارج شد. قبل از خروج از هتل ، متوجه شد کارکنان هتل ، هر کدام به سمت آشپزخانه می‌روند ، یک لیوان قهوه با یک تکه کیک برمی‌دارند و به یکی از اتاقهای هتل رفته و در آنجا به خوردن کیک و نوشیدن قهوه مشغول می‌شوند.

این شخص دوباره وارد هتل شد ، به سمت همان گارسون رفت و گفت: "من الان چندین تن از کارکنان هتل را دیدم که بدون پرداخت هیچ پولی ، از آشپزخانه کیک و قهوه برداشتند ، چرا آنها می‌توانند قهوه و کیک مجانی مصرف کنند ، ولی من نمی‌توانم؟"

گارسون لبخندی زد و گفت: "اینها کارکنان هتل هستند و به میهمانان هتل خدمت می‌کنند ، از این رو ، صاحب هتل به آنها اجازه می‌دهد کیک و قهوه رایگان مصرف کنند."

شخصی بود که به سبب وضع مالی خود ، هیچ گاه بیرون غذا نمی‌خورد و پول خود را برای مخارج مهم زندگی پس‌انداز می‌کرد. هر بار از کنار یک قهوه‌خانه رد می‌شد و وسوسه داشت که یک لیوان قهوه با کیک سفارش دهد ، خود را آرام می‌کرد و می‌گفت:

"با یک دهم پولی که اینجا می‌دهم ، می‌توانم یک بسته قهوه بخرم و چندین قهوه درست کنم ، می‌توانم آرد ، شکر و شکلات بخرم و نه فقط یک تکه کیک بلکه کیک کامل تهیه کنم."

روزی این شخص در آفتاب زیاد راه رفت و سر کار نیز با یکی از همکارانش دعوا شد و سر درد شدیدی به سراغ او آمد. این شخص با خود گفت:

"امروز با دیگر روزها فرق دارد ، هم سر درد شدید دارم ، هم دعوایم شد و هم خیلی خسته هستم ، یک روز در زندگی می‌توانم به خود اجازه دهم بیرون از خانه ، قهوه و کیک سفارش دهم."

به دنبال این فکر ، به سمت خانه به راه افتاد و تصمیم گرفت در اولین قهوه‌خانه میهمان شود و یک قهوه و کیک سفارش دهد. از شانس او ، تمام قهوه‌خانه‌ها زود بسته بودند و او در راه خود هیچ قهوه‌خانه‌ای را ندید که باز باشد. چند خیابان قبل از خانه وی ، یک هتل مجلل وجود داشت ، تصمیم گرفت که این قهوه و کیک را در هتل میل نماید. وقتی این شخص به هتل رسید ، با قامتی راست و اطمینان زیاد وارد هتل شد و در لابی هتل نشست. عطری مخصوصی در هوا استشمام می‌شد ، در گوشه‌ای از هتل ، خانمی پیانو می‌زد ، پرده‌های زیبایی روی دیوارها کشیده و تابلوهای زیبایی نیز در گوشه و کنار دیوارها آویزان شده بودند و مبل و میز بسیار زیبا و راحتی در لابی بود. روی مبل نشست و از حال و هوای هتل لذت می‌برد که یک گارسون به سمت او آمد و با کمال ادب پرسید:

"بفرمایید جناب ، چه چیزی سفارش می‌دهید؟"

آن شخص با صدای لطیفی گفت:

"من فنجان قهوه و یک تکه کیک می‌خواهم."

گارسون کیکهای موجود در هتل را نام برد تا آن شخص یکی از آن کیکها را انتخاب کند. آن شخص یکی از کیکهایی که به نظرش از

به دیگران نیکی می‌کند ، به مانند آن کارکنان هتل می‌باشد که می‌تواند به صورت رایگان از امکانات دنیا استفاده نماید. دانشمندان پند و اندرز فرموده‌اند: ابتدا آدم باید با افراد خانواده و نزدیکان خود نیکی نماید ، به همسر و فرزندان خود و نیز دیگر افراد خانواده خود کمک نماید و آنها را در کارهایشان یاری دهد ، در این صورت باعث می‌شود صلح و صفا همواره در خانه جاری باشد. برگرفته از سخنان هاراو زمیر کهن

حال که دوباره کتاب برشیت را آغاز کردیم در آن در مورد آفرینش دنیا می‌خوانیم. دانشمندان توره فرموده‌اند خد-اوند این دنیا را برای آدم آفریده است. ربی بیسرائل از سالانط روحش شاد در این باره می‌فرماید:

"اگر آدم خودخواه است و فقط برای خودش زنده است ، تمام میصواها و اعمال نیک او برای یک وعده غذا هم کافی نخواهند بود. آدم باید خودخواهی را کنار گذارده و به دیگران نیکی و احسان نماید ، در این صورت ، تنها برای خودش زنده نیست ، بلکه برای دیگران زنده است و بدین صورت ، می‌تواند غذا و دیگر مایحتاج خود را به صورت رایگان دریافت نماید."

آری ، خد-اوند این دنیا را آفریده و هر لحظه به آن زندگی می‌بخشد ، اگر آدم فقط برای خودش زنده باشد ، به مانند آن میهمان هتل ، باید پول استفاده از دنیا را بپردازد که در این صورت ، خرج و مخارج ، زیاد خواهند بود و به گفته ربی بیسرائل از سالانط ، تمام اعمال نیک آدم هم نمی‌توانند یک وعده غذا را تأمین کنند ، ولی وقتی آدم

## درخواست تمام طلب

صاحب مغازه جا خورد و گفت: "موردی پیش آمده؟ اتفاقی افتاده که تو دیگر به من ایمان نداری؟" صاحب کارخانه گفت:

"من به تو اطمینان دارم ، ولی من کارخانه خود را می‌بندم و به همین جهت تمام طلب خود را درخواست می‌کنم." خافص خیییم ادامه داد و فرمود: "در طول گالوت نیز خد-اوند با ما به همین صورت رفتار نمود ، گاهی قسمتی از طلب خود را گرفت ، ولی حال خد-اوند می‌خواهد نجات کامل را بیاورد ، پس تمام طلب خود را درخواست می‌کند."

در این دوران و در سالهای آخر ، چه از نظر فردی و چه از نظر کل جماعت سختیهای بسیاری به ما وارد شد. اگر خوب در تمام این سختیها دقت نماییم ، متوجه می‌شویم نباید امید خود را به هیچ شخص یا قدرت دیگری ببندیم ، بلکه فقط باید به خد-اوند تکیه نموده و از خد-اوند طلب کمک نماییم.

امیدواریم به زودی ، نجات کامل فرا رسد و احترام خد-اوند بر ما آشکار گردد. آمَن!

برگرفته از نوشته‌های هاراو مردخای نویگرشل

پس از جنگ جهانی اول ، از هخافص خیییم روحش شاد پرسیدند: "چرا در طول جنگ ، همه دنیا و یهودیان این همه سختی و رنج کشیدند؟"

خافص خیییم آهی کشید و فرمود: "نسبت به اتفاقات آینده ، این رنج و سختی بازیچه‌ای بیش نیست." دوباره از هخافص خیییم پرسیدند: "چرا این همه رنج و سختی به دنیا وارد خواهد آمد؟" هخافص خیییم در پاسخ فرمود:

بگذارید مثالی بیاورم. مغازه‌داری بود که هر چند وقت یکبار به کارخانه‌ای می‌رفت و از آنجا جنس می‌خرید ، گاهی پول اجناسی را که می‌خرید پرداخت می‌کرد و گاهی نیز خواهش می‌نمود صاحب کارخانه ، طلب خود را بنویسد تا دفعه بعد آن را بپردازد. چندین سال به همین صورت گذشت تا اینکه یک بار ، وقتی مغازه‌دار کلی جنس بار کرد و از صاحب کارخانه درخواست نمود این مبلغ را در دفتر بنویسد ، صاحب کارخانه به او گفت:

"نه تنها من در دفتر نمی‌نویسم ، بلکه تو باید پول تمام اجناس را نقد بپردازی ، نه فقط پول این اجناس ، بلکه تمام نسبه‌های قبل را نیز باید بپردازی؟"